



۱۵ ۵ ارمغان هدیه دادن به کارمندان



۱۴ درمان سینوزیت با روش‌های سنتی



۱۶ سواری‌های مرگبار

درنگ

مسجد، پایگاه نیکوکاری است

مصطفی ملکی حدود پنج سال است که موسسه‌ای نیکوکاری را اداره می‌کند که در شهرستان قروه استان کردستان محل زندگی‌اش به‌عنوان موسسه برتر شناخته شده است اما مصطفی دستگیری از نیازمندان را زمانی که ۱۹ سال داشت، از سال ۸۰ شروع کرد. او تعریف می‌کند که همیشه دوست داشت به نیازمندان کمک کند؛ حالا فرقی نمی‌کرد هر کمکی، یک روز اجاره‌بهای عقب‌افتاده یک خانواده را پرداخت و روز دیگر هزینه حمل‌ونقل مسافری را که در راه مانده بود پرداخت می‌کرد. به همین دلیل یک صندوق قرض‌الحسنه در مسجد محل راه انداخت تا در آن از نیازمندانی که می‌شناخت یا به او معرفی می‌شد دستگیری کند. از سال ۹۰ بعد از تاسیس یک هیات عزاداری شکل و شمایل فعالیت‌های ملکی که کارمند یکی از ادارات شهرستان است به شکل دیگری تغییر کرد. هیات عزاداری او تنها محلی برای عبادت و انجام کارهای مذهبی نبود و خیلی زود مصطفی رفتار خیرخواهانه خود را در هیات عزاداری‌اش هم در پیش گرفت و با کمک خیرین دست بسیاری از نیازمندان را گرفت و در کنار عزاداری و عبادت برای رفع نیازهای افراد نیازمند نیز تلاش کرد.

تاسیس موسسه خیریه‌ای به نام خانه امید در سال ۹۵ اما شاید نقطه‌عطف زندگی او باشد. پس از تاسیس موسسه خیریه، انجام کارهای خیرخواهانه ملکی شکل رسمی به خود گرفت. بعد از تاسیس موسسه خیرخواهانه، مصطفی حالا به‌شکل سازمان‌یافته‌ای می‌توانست به نیازمندان کمک کند. حل مشکلات معیشتی نیازمندان شهرستان شاید اولین کارهای خیرخواهانه‌ای است که او در دستور کار خود قرار داد. بعد اما شکل کمک‌های او تغییر کرد. هر نیازمندی و درمانده‌ای که به او و موسسه‌اش مراجعه می‌کرد ملکی دست او را می‌گرفت و کمکش می‌کرد. اگر فردی به‌دنبال شغل باشد مصطفی با توجه به توانایی‌ها و تخصص‌های فرد جویای کار، او را به ادارات و موسساتی که می‌شناسد معرفی می‌کند. تلاش برای تهیه جهیزیه برای خانواده‌های کم‌توان از کارهای دیگری است که او انجام می‌دهد. در سال ۹۸ او حدود ۲۵ جهیزیه و در سال ۹۹ هم حدود ۴۵ جهیزیه برای خانواده‌های کم‌برخوردار تهیه کرده است. امسال اما در شش ماه نخست سال هفت جهیزیه تهیه شده است. اما شاید مهم‌ترین اقدام ملکی در حوزه درمان و کمک به بیمارانی باشد که به‌دلیل فقر، توان پرداخت هزینه‌های درمان را ندارند. بعد از راه‌اندازی موسسه، او به بیش از ۵۰۰ بیمار کمک کرده است تا درمان شوند. بسته به نیاز، دارو، ویزیت پزشک، عمل جراحی و انجام کارهای دیگر، او بیماران نیازمند را راهنمایی می‌کند تا بسته به نیازشان وکمک‌وپاری درمانگاه‌وبیمارستان‌ها درمان شوند. مصطفی تاکید می‌کند که کارهای خیرخواهانه را از مسجد محل شروع کرده است و می‌گوید: «مسجد فقط مکانی برای عبادت و عزاداری نیست. مساجد باید محلی برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم باشد.»

کمک‌های فوری و برقی

تعدادی از روستاییان به کمک کمیته امداد امام خمینی(ره) صاحب نیروگاه‌های خورشیدی خانگی شده‌اند و برق می‌فروشند



کمیته امداد امام خمینی (ره) برای حمایت از مددجویان زمینه را برای ایجاد ۲۸۶۲ واحد نیروگاه خورشیدی خانگی فراهم کرده است



لیلا شوقی
جامعه

اهالی روستای بیاره ناراحتند. چند سالی می‌شود که برف، رشته کوه دنا را سفیدپوش نکرده‌است و ابرها بخشندگی خود را از اهالی روستا دریغ کرده‌اند با این وجود اما خورشید مهربانانه دست گرم خود را روی سر این منطقه می‌کشد. به همین دلیل است که برخی از اهالی این روستا مانند شیرین‌گل و ماه‌سلطان از این هدیه خدادادی بهره می‌برند و کسب‌وکارشان را بر مبنای همین هدیه خدادای علم کرده‌اند. شیرین‌گل و ماه‌سلطان که هر دو زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) هستند تا دو سال پیش از نیروگاه خورشیدی خانگی چیزی نمی‌دانستند حالا اما هر دو یک نیروگاه خورشیدی خانگی در پشت‌بام خانه‌شان دارند و هر ماه هم برقی را که از نیروی طبیعی به‌دست می‌آید به اداره برق شهرستان دنای شهر یاسوج استان کهگیلویه‌وبویراحمد می‌فروشند. با وجود این که باران و برف در این منطقه خوش آب‌وهوا کاهش پیدا کرده‌است آنها به شکل دیگری از بخشندگی طبیعت بهره می‌برند. این دو سرپرست خانوار با فروش برق، ماهانه حدود یک میلیون و ۵۰۰ تا یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان درآمد دارند. این درآمد برای یک کسب‌وکار که هزینه نگهداری و هزینه در گردش آن ناچیز است و نیاز به تهیه مواد اولیه هم ندارد، خوب به نظر می‌رسد. این روزها هزینه راه‌اندازی یک نیروگاه خورشیدی زیاد است. هزینه راه‌اندازی نیروگاه برای دو مددجوی کمیته امداد امام خمینی(ره) با وام ۵۰ میلیون تومانی تامین شده‌است و شرایطی ایجاد کرده تا افرادی مانند این دو بانوی سالخورده منبع درآمدی هر چند اندک داشته باشند.

نیروگاه خانگی شیرین‌گل

نور چشم را می‌زند، انگار که الماسی در پشت دیوار بلند سنگی پنهان کرده‌اند. الماس اما سر خود را بالا آورده و نورش را دست‌ودلبازانه به عابران هدیه می‌دهد. خوب که دقت می‌کنیم صفحه‌های نیروگاه خورشیدی خانگی خودش را نشان می‌دهد، الماسی در پشت دیوار. عجیب است. در روستایی که بسیاری از امکانات اولیه را ندارد، دیدن صفحه‌های نیروگاه خورشیدی در پشت‌بام عجیب به نظر می‌رسد. روستا حتی مدرسه هم ندارد. مدرسه چهار کلاسه با دیوارهای فرسوده و شیشه‌هایی شکسته بدون استفاده مانده است. روستای بیاره، روستایی در دامنه رشته کوه‌های دنا در شهرستان دنای شهر یاسوج استان کهگیلویه‌وبویراحمد قرار دارد و در پشت‌بام برخی از خانه‌های قدیمی آن نیروگاه‌های خورشیدی خانگی دیده می‌شود. خانه شیرین‌گل یکی از آنهاست. در خانه شیرین‌گل که باز می‌شود، نه حیاط بزرگ و دلبازش بلکه درخشانی صفحه‌های نیروگاه خورشیدی خانگی است که جلوه می‌کند. حالا حدود دو سال می‌شود شیرین‌گل صفحه‌های خورشیدی را در پشت‌بام خانه صدمتری‌اش جا داده است. سؤال اما این است که این پیرزن ۷۰ ساله چطور میزبان پنل‌های خورشیدی شده‌است؟ داستان شیرین‌گل جالب است. او تنها زندگی می‌کند و تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) است. می‌گوید روزگارش را با خشک‌کردن میوه‌های درختان حیاط خانه با خشک‌کردن خرمالو می‌گذراند و هر ماه هم مستمری اندکی دریافت می‌کرد. اما دو سال پیش زندگی‌اش به شکل دیگری تغییر کرد. هرچند که هنوز هم حیاط خانه پر از خرمالوهایی است که در حال آفتاب گرفتن است اما از همان سال کسب‌وکار دیگری راه انداخت. داستان راه‌اندازی کسب‌وکار نوین او از دریافت یک وام اشتغالزایی شروع شد، از دریافت وام ۵۰ میلیون تومانی از کمیته امداد امام خمینی(ره) و خرید پنل‌های خورشیدی برای برپا کردن یک نیروگاه خورشیدی کوچک در پشت بام. دو سال قبل با این مبلغ می‌شد کسب‌وکار خورشیدی را راه انداخت. راه‌اندازی یک کسب‌وکار خورشیدی امروز گران است و بیشتر از ۱۰۰ میلیون تومان هزینه دارد. پیرزن ۷۰ ساله تعریف می‌کند که سال اول بازپرداخت وامش حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود. او با فروش میوه‌های خشک‌شده و فروش عسل طبیعی ماهانه وامش را پرداخت می‌کرد. سال دوم یعنی امسال شرایط به شکل مثبتی تغییر کرد. او حالا با فروش برق به اداره برق استان هزینه وامش را به دست می‌آورد. شیرین‌گل به اینجای حرف‌هایش که می‌رسد لبخند می‌زند. او از سال بعد هم می‌تواند قسط وامش را پرداخت کند و هم درآمد داشته باشد. این‌طور که مسؤولان اداره برق به او گفته‌اند از سال بعد فروش برق به صورت تصاعدی افزایش پیدا می‌کند و ماهانه حدود یک میلیون و ۷۰۰ تا دو میلیون تومان درآمد خواهد داشت. شیرین‌گل البته خود برای پرداخت قبض ماهانه حدود ۱۲ هزار تومان به اداره برق پرداخت می‌کند. پیرزن لبخند می‌زند و می‌گوید: «خودم برق تولید می‌کنم و پول برق هم می‌دهم.»

کمک‌هزینه برقی

پشت‌بام خانه کوچک است. شاید حدود ۷۰ مترمربع مساحت داشته باشد. چهار ردیف پنل خورشیدی در آنجا گذاشته‌اند. پنل‌های خورشیدی پشت کرده‌اند به کوه و رو چرخانده‌اند به آفتاب داغ و تابان ظهرگاهی. انگار گل آفتابگردانی هستند که عاشقانه خورشید را می‌پرستند. نور خورشید خود را ولو کرده است روی پنل‌های خورشیدی تا آنها انرژی را در منبع نیروگاه خورشیدی خانگی ماه‌سلطان ذخیره کنند. خانه ماه‌سلطان شبیه به خانه شیرین‌گل میزبان پنل‌های خورشیدی است. ماه‌سلطان و شیرین‌گل از افرادی هستند که در روستای بیاره نیروگاه خورشیدی خانگی دارند. نیروگاه خورشیدی این پیرزن ریزنقش از نوع نیروگاه‌های ۵ کیلوواتی است. ماه‌سلطان چشمان ریزی دارد و موهای حنایی‌اش را بیرون از روسری انداخته است. لباس محلی به تن کرده است و یک تنه برای رسیدن به پنل‌های خورشیدی‌اش از نردبان کهنه بالا می‌رود و با دستمال پیر و پر چین و چروکش دستمال نمدار را روی پنل‌ها می‌کشد تا تمیزش کند. ماه‌سلطان تعریف می‌کند که مراقبت از پنل‌های خورشیدی زیاد هم سخت نیست. دو سه ماه یک بار او با دستمال خیس به پشت‌بام خانه می‌رود و پنل‌ها را تمیز می‌کند. می‌گوید که باران، برف و باد باعث نمی‌شود که پنل‌های خورشیدی آسیبی ببینند؛ هرچند که این روزها روستای او پر از آفتاب است و این می‌تواند برای ماه‌سلطان که کسب‌وکارش با آفتاب می‌چرخد، خوب باشد. او می‌گوید که در همه روزهای سال، در بهار، تابستان، پاییز و زمستان دستان آفتاب روی سر روستا کشیده می‌شود. راست می‌گوید در روزهای سرد پاییزی آفتاب تند و آتشین می‌تابد و نورش را می‌بخشد به تن پنل‌های خورشیدی که با زاویه مناسب روی پشت‌بام خانه‌اش نصب شده است. ماه‌سلطان هم شبیه به شیرین‌گل دو سال قبل وام اشتغالزایی از کمیته امداد امام خمینی(ره) گرفت و کارش را شبیه به او شروع کرد. او تعریف می‌کند که چون توانایی کارکردن نداشت و شرایط خانه‌اش هم برای نصب پنل‌های خورشیدی مناسب بود بنابراین نیروگاه خورشیدی خانگی را راه انداخت. ماه‌سلطان تعریف می‌کند که خانه باید مقیاس مناسبی داشته باشد و کوچک نباشد. زاویه ساخت خانه هم باید به شکلی باشد که در معرض نور خورشید باشد تا بیشترین انرژی خورشیدی به‌دست بیاید. ماه‌سلطان هم مانند شیرین‌گل دو سالی می‌شود که کسب‌وکارش را راه انداخته است و هر ماه با فروش برق حدود یک میلیون و ۵۰۰ تا یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان درآمد دارد. او می‌گوید که راه‌اندازی این کسب‌وکار در سال‌های ابتدایی سخت بوده است اما بعد از گذشت دو سال هم هزینه بازپرداخت ماهانه وام‌هایش تامین می‌شود و هم این‌که درآمدزایی برای او ممکن شده است. پیرزن حدود ۶۰ ساله می‌گوید: «فقط باید کمی صبور باشید» و بعد می‌خندد. او تعریف می‌کند این روزها که خشکسالی است و باران هم کم می‌بارد و خورشید مهربانانه نور طلایی خود را بر سر روستای کوچک او هدیه می‌کند بسیاری از اهالی روستا خواستار راه‌اندازی نیروگاه خورشیدی خانگی هستند اما بالا رفتن هزینه‌های اولیه برای خرید پنل‌های خورشیدی باعث شده تا برخی نتوانند تجهیزات اولیه را فراهم کنند.

کسب‌وکار با نیروی پاک

حدود شش سالی می‌شود یکی از طرح‌های اشتغالزایی کمیته امداد امام خمینی(ره) به نیروی پاک و راه‌اندازی نیروگاه‌های برق خانگی معطوف شده است. آن‌طور که علیرضا رمضانی، مسؤول هدایت شغلی کمیته امداد امام خمینی(ره) به جام جم می‌گوید، در ۱۸ استان کشور حدود ۲۸۶۲ واحد نیروگاه خورشیدی پنج کیلوواتی راه‌اندازی شده است. این واحدها را مددجوها با وام اشتغالزایی تهیه کرده‌اند. هر واحد نیروگاه خورشیدی خانگی می‌تواند سالانه حدود ۷۲۰۰ تا ۱۰ هزار و ۷۰۰ کیلووات برق تولید کند. نکته جالب اما این است که طبق قراردادی که با شرکت توزیع برق امضا می‌شود، شرکت توزیع برق تضمین می‌کند تا ۲۰ سال برق تولیدی را از مددجوها خریداری کند. درآمد تولید برق ماهانه از یک میلیون تومان شروع و بعد به‌صورت تصاعدی افزایش پیدا می‌کند تا به ماهانه چهار میلیون تومان هم می‌رسد. نکته مهم اما این است که در لایحه بودجه ۱۴۰۱ هم تاکید شده است که ۱۰ درصد از مبلغ مصرفی شهروندان برای توسعه و تولید برق تجدیدپذیر هزینه خواهد شد. اولویت هزینه کردن این بودجه اما با اهالی روستاها، عشایران و خانوارهای کم‌درآمد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی است و این می‌تواند زمینه را برای رونق گرفتن نیروگاه‌های خورشیدی خانگی در روستاها فراهم کند.

حق با شماست

info@jamejamOnline.ir
روابط عمومی: ۲۳۰۰۴۴۴۴

#دستفروش-مترو
تهامی از تهران:
حضور بیشمار دستفروشان در ایستگاه‌های مترو مانند ۱۵ خرداد باعث کندی تردد و سدمعبر شده است.

#تاکسی-کرایه
صادقی از تهران:
کرایه‌های تاکسی اینترنتی بسیار کم است و اصلا برای رانندگان با توجه به کسر کمیسیون ۲۰ درصدی به‌صرفه نیست.

#پیک-ششم
یک شهروند:
متاسفانه در بحث پیک‌ششم کرونا شاهد اجرای محدودیت‌های جدی نیستیم و این رویکرد می‌تواند خسارت زیادی به شهروندان بزند.

#عیدی-کارمند
یک شهروند:
عیدی کارمندان ۱/۵ میلیون تومان است که با توجه به تورم و گرانی و هزینه‌های هنگفت هیچ کمکی به کارمندان نمی‌کند.

#تحریم-مذاکره
مهدوی از کرج:
تحریم‌های سنگین کشورهای خارجی علیه ایران باعث کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید مردم شده و امیدوارم با مذاکرات مناسب عزت مردم برگردانده شود.

#بلیت-مترو
فراهانی از تهران:
باجه‌های فروش بلیت مترو که به‌صورت خودکار در ایستگاه ۱۵ خرداد است با توجه به حجم بیشمار مسافران جوابگوی تقاضا نیست.

#هرس-شهرداری
همتیان از تهران:
در این موقع از سال هرس درختان در برخی از مناطق پایتخت صورت می‌گیرد اما جمع‌آوری شاخه‌های آنها به‌صورت نامنظم انجام می‌شود. یکی از این موارد خیابان وارسته در منطقه قلهک است.

#بازنشسته-عیدی
سرتیپی از کرج:
چرا عیدی کارمندان و بازنشستگان مانند حقوقشان برابر با یک ماه کامل پرداخت نمی‌شود و چرا عدالتی دراین باره وجود ندارد؟

#دستفروش_نوروز
ناصری از تهران:
بسیاری از افراد نیازمند در آستانه نوروز اقدام به دستفروشی می‌کنند. از مدیران شهرداری تقاضا دارم با دستفروشان رفتار مهربانه‌تری داشته باشند. شرایط سبب شده تعداد این افراد بیش از گذشته شود در واقع بسیاری از آنها ناچار به انجام این کار هستند، زیرا شغل و درآمد پایداری ندارند.